

مولدسازی دارایی های دولت



سوفه



سخن سردبیر

يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ
حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

آغاز سال بود.

درست مثل همیشه، بار دیگر قصد داشتیم جز به جز
بررسی و اصلاحش کنیم.
فضا دقیقاً مانند اتاق عمل شده بود و جراحان جوان،
کشوری با نگاهی قوی اما دردآلود را احاطه کرده بودند.
زمزمه‌هایی از تحوّل به گوش می‌رسید. هنوز هیچ‌کس
شروع نکرده بود که دستی به قصد تحوّل، تیغ برداشت و
شاهرگ را نشانه رفت. دستی که به مدد نقاب، هیچ
گاه موفق نشدیم دقیق صاحبش را بشناسیم. هیچ‌وقت
نشناختیم که از خودی خوردیم یا تنها بیگانه‌ای بود
امیدوار به تحوّل عمیق در پیکره کشورمان. تحوّل از
جنس مرگ هویت جمهوری اسلامی این ملت.
برای مهارش زخم‌های عمیقی برداشتیم، اما در پایان، به
آرامی تیغش را غلاف و امنیت شاهرگ‌مان را تأمین
کردیم. حال نوبت تیغ به دست شدن خودمان بود. اما
این بار، با ظرافت و آرامش، طوری که نقاط قوتش ذره
ای خراش برندارند. نقاط همچون بنیه قوی نظام
اسلامی و ملت باایمانش، مقاومت مردم غیورش
در برابر توطئه و خیانت‌ها، پیشرفت‌شان در عرصه‌های
مختلف، توسعه روابط خارجی و...

جراحی سختی بود و حساسیت بالایی داشت. تقویت
نقاط مثبت، همزمان با رساندن تیغ به عمق نقاط منفی.
نقاط ضعفی عمیق که در راس آنها، اقتصاد همچون
زخمی کهنه جابخش کرده بود و در ادامه، تصدّی‌گری
دولت، وابستگی به صادرات نفت خام و دلار و...

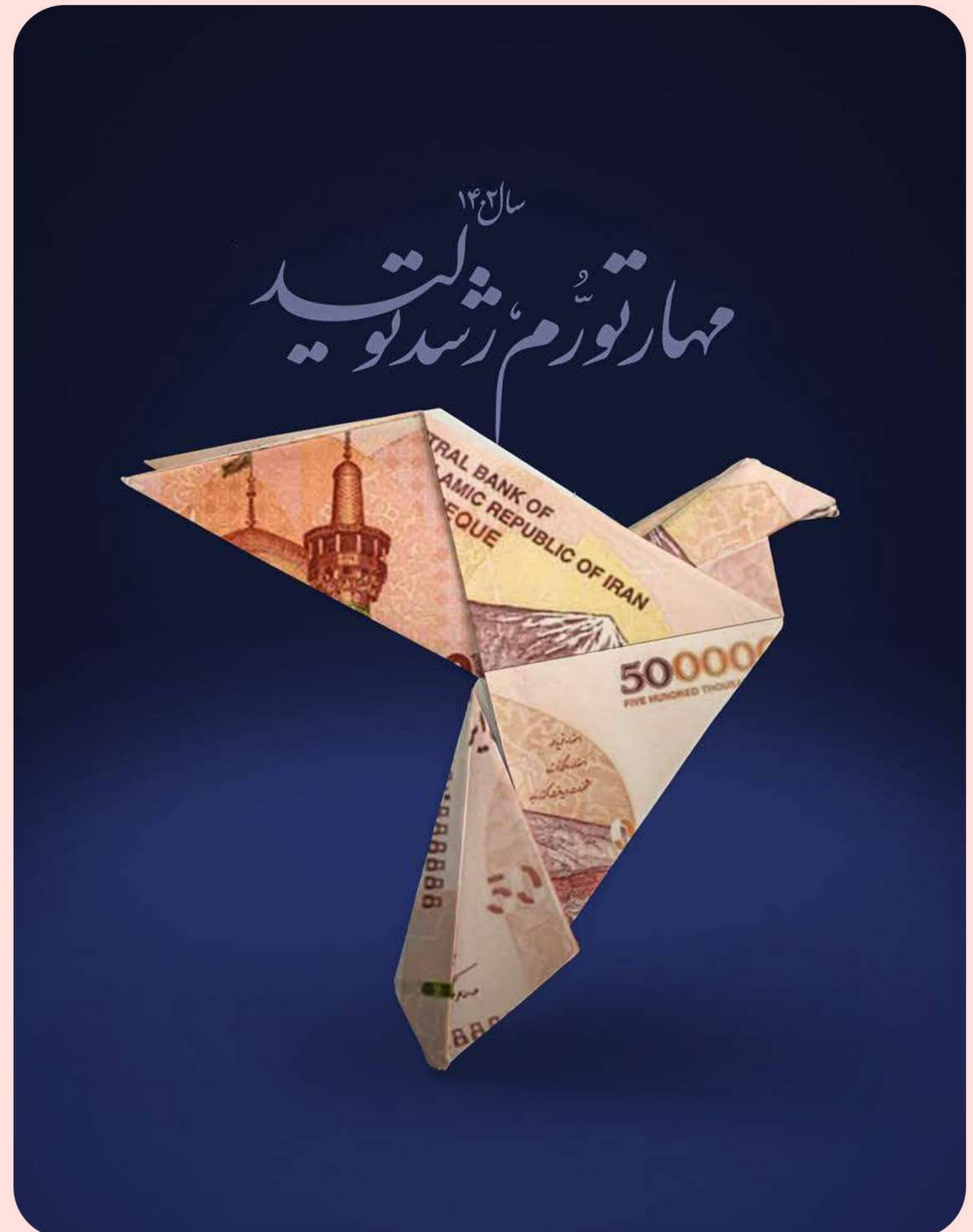
اهدافی بودند که تیغ‌های براق را تشنه‌تر از همیشه
می‌کردند. نفس عمیقی کشیدیم. با نگاهی جسور و
امیدوار به لبه تیغ‌ها، به درخشش قوت‌ها و به
دردناکی ضعف‌ها خیره شدیم، و در حالی که دستان
مان را به آرامی جلو می‌بردیم، زیر لب زمزمه کردیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

یا علی (ع)...

(برگرفته از بیانات رهبر انقلاب در اجتماع زائران و مجاوران
حرم مطهر رضوی ۱۴۰۲/۰۱/۰۱)

رضوانه شامانی
مدیریت بیمه



مولد سازی

صفحه ۲

شکستن آقایی دلار تنها راه نجات اقتصاد

تلاش دشمن برای تطویل جنگ ترکیبی با ایجاد اختلالات اقتصادی

صفحه ۴

وسط گرد

معرفی رشته مدیریت بیمه

صفحه ۵

منزل وصل

هم قدم با پوتین‌های خاکی، به مقصد آسمان...

صفحه ۶

محمد علی چیدری
مدیریت مالی

مولدسازی؛ دغدغه موافقان و مخالفان

مولدسازی دارایی‌های دولت



زیادی از هزینه‌های دولت کم می‌شود. ولی با توجه به یارانه تخصیص داده که با حذف این یارانه‌ها میزان زیادی از هزینه‌های دولت کم می‌شود. ولی با توجه به بحرانی که ناشی از حذف یارانه بنزین در سال ۹۸ ایجاد شد، عملاً این راه نیز حداقل در شرایط فعلی قابل اجرا نیست. راهکار دیگر، استقراض از نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول می‌باشد که با تورم بالا در کشور ایران، ریسک سرمایه‌گذاری بالا می‌رود و بازگشت این وام با چنین تورمی با مشکل مواجه می‌شود و ممکن است تجربه کشورهای مانند یونان برای ایران رقم بخورد.

روش دیگر نیز استقراض داخلی است. این روش به وسیله اوراقی است که دولت منتشر می‌کند. انتشار این اوراق و توانایی بازپرداخت آن توسط دولت، خود یکی از مشکلاتی است که باعث می‌شود این راه نیز به بن‌بست بخورد. عملاً تنها راه موجود، مولدسازی دارایی‌های راکد است که با استفاده از آن هزینه‌های زیاد بودجه کاهش پیدا می‌کند و باعث افزایش درآمد دولت می‌شود. لذا در اصل و اهمیت مولدسازی هیچ شکی وجود ندارد.

در ادامه به بررسی معایب مولدسازی می‌پردازیم. یکی از معایب مصوبه مولدسازی، شباهت آن به اصل ۴۴ قانون اساسی، یعنی همان اصل خصوصی‌سازی است. در اصل خصوصی‌سازی شکی وجود ندارد اما ایراد این اصل، نحوه خصوصی‌سازی است که منجر به فسادهای فراوانی در کشور شده.

ادامه در صفحه بعد...

یکی از مشکلات عمده کشور ایران تصدی‌گری دولتی است که باعث کاهش بهره‌وری شده است. دولت برای حل این مشکل راهکاری را طرح کرده است که این روزها صحبت بسیاری از محافل علمی و دانشجویی، درباره آن است. راهکاری که تا چند ماه پیش محرمانه بوده است، خبر آن به تازگی در رسانه‌ها پخش شده است و نام آن مصوبه مولدسازی است.

ضرورت و اهمیت مولدسازی برای فهم ضرورت انجام این مصوبه باید آن را از نگاه دولت بررسی کرد. یکی از دلایل تورم موجود در کشور، چاپ پول و افزایش نقدینگی است که توسط دولت انجام می‌شود.

دلیل انجام این عمل از سوی دولت، کسری بودجه‌ای است که با آن مواجه شده. برای حل مشکل کسری بودجه دولت، راهکارهای مختلفی داده شده، اما بیشتر این راهکارها قابل اجرا نیست. برای مثال، اخذ مالیات از مردم و شرکت‌ها. گرفتن مالیات در شرایط رکود اقتصادی، باعث از بین رفتن بنگاه‌های اقتصادی و منجر به افزایش نارضایتی‌های عمومی می‌شود. علاوه بر اینها اخذ مالیات به صورت سریع قابل اجرا نیست. این دلایل در کنار هم باعث مطلوب نبودن این راهکار برای حل مشکل بودجه می‌شوند. راهکار دیگر برای جبران این کسری بودجه، فروش نفت است که خود نیز مشکلات فراوانی دارد. چرا که اولاً ایران به صورت عادی نمی‌تواند نفت خود را بفروشد و برای فروش آن دچار مشکل است. ثانیاً حتی اگر بتواند نفت خود را بفروشد در شرایط فعلی که قیمت نفت جهانی کاهش پیدا کرده است، باز هم دولت ایران در بودجه خود دچار مشکل خواهد شد و این راهکار نیز با چالش‌های فراوانی مواجه است و اجرای آن ممکن نیست. یکی دیگر از راهکارهای حل مسئله کسری بودجه، کاهش یارانه‌هایی است که دولت بر روی یک سری از کالاهای اساسی به مردم می‌دهد. برای مثال، دولت بر روی گاز و بنزین مصرفی مردم مقدار زیادی یارانه تخصیص داده که با حذف این یارانه‌ها میزان

مولدسازی؛ دغدغه موافقان و مخالفان

این مسئله در مصوبه مولدسازی نیز وجود دارد. بدین معنا که در اصل مولد ساختن دارایی‌های راكد دولت شکی نیست، اما روش اجرای آن فسادزا است. برای مثال طبق بند 2-5 مصوبه مولدسازی، هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت، می‌تواند برای واگذاری اموال، قیمت پایه و نهایی دارایی‌ها را مشخص کند یا در ماده 11 آیین نامه اجرایی مصوبه مولدسازی بند 4 آمده است که هیئت عالی مولدسازی به پیشنهاد مجری می‌تواند قیمت پیشنهادی را تعدیل کند و قیمت پایه را مصوب کند. مشابه این امر در خصوصی سازی نیز بود که نمونه‌های آن در چند سال اخیر بسیار مشاهده شده است.

در زمینه اشتباهات در شیوه مولدسازی دارایی‌ها، می‌توان حق مصونیت قضایی برای اعضای این هیئت هفت نفره را یکی از غلط‌های موجود دانست که زمینه‌ساز فساد می‌باشد.

یکی دیگر از ایرادات وارد به مصوبه مولدسازی این است که فرآیند تصویب این مصوبه، به صورت غیر شفاف بوده است و مجلس بر تصویب آن نظارت نداشته است. در صورتی که مجلس به عنوان قوه مقننه باید بر فرآیند تصویب و اجرای قانون نظارت کند.

علاوه بر این، حتی اگر با تمام اشکالات موجود، قرار بر اجرای این مصوبه باشد، عدم اطلاع رسانی به موقع به مردم و ندیدن خواست و نظر مردم در فرآیند تصویب و اجرای مصوبه مولدسازی یکی دیگر از اشکالات این مصوبه می‌باشد. در پایان؛

در اصل و ضرورت اجرای این مصوبه شکی وجود ندارد اما در شیوه اجرای آن و بهره‌مندی از ظرفیت مجلس و مردم در فرآیند اجرای آن ضعف‌هایی وجود دارد که در صورت عدم اصلاح، امکان تکرار تجربه‌های تلخ گذشته در زمینه خصوصی سازی فراهم می‌شود و دولت برای حل مشکل کسری بودجه، دچدر سال‌های آینده با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد.



شکستن آقایی دلار، تنها راه نجات اقتصاد! تلاش دشمن برای تطویل جنگ ترکیبی با ایجاد اختلالات اقتصادی

داخلی تبعات سنگینی برای کشور داشته و دارد؛ در این میان می توان گفت حذف دلار از نظام بانکی و تجاری کشور مهم ترین گام در دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی است. در همین زمینه مقام معظم رهبری بارها بر حذف آقایی دلار از مبادلات تجاری کشور و پیمانهای دو جانبه و چند جانبه تاکید کردند که می تواند به بی نیاز شدن ایران از مجوزهای آمریکا (چرخه uturn ناشی از نظام برتون وودز) در تبادلات اقتصادی جهانی، کم اثر شدن تحریم های مالی، از بین رفتن اهرم فشار بر ایران در معادلات سیاسی، انتقال منابع حاصل از فروش نفت به داخل کشور، افزایش قدرت چانه زنی ایران در تعاملات بین المللی و امکان مدیریت بهتر نرخ ارز کمک کند.

دولت سیزدهم در زمینه حذف دلار از اقتصاد کشور و مبادلات ارزی به سمت پیمان های دو یا درچندجانبه با سایر کشورها رفته است. عضویت در سازمان همکاری شانگهای، پیمان پولی روبل-ریال با کشور روسیه و سایر پیمان های پولی غیررسمی مانند یوآن-ریال با کشور چین، که در دولت سیزدهم اجرایی شده است، می تواند بخش عمده ای از بحران های اقتصادی کشور در زمینه ارز را حل کند. اما لازمه اثربخشی توافقات جهانی در اقتصاد داخلی، ایجاد زیرساخت های قانونی و بانکی داخلی توسط دولت و از طرفی فعال شدن اتاق های بازرگانی و بخش خصوصی، جهت استفاده از بسترهای حاکمیتی است. اساسا از نگرش اقتصاد مقاومتی، دولت ها بخش سیاستگذار و ناظر و از سوی دیگر بخش خصوصی، بخش مولد و پیشران اقتصاد هستند و تا هر دو بخش دولتی و خصوصی به وظایف خود عمل نکنند آثار معاهده های بین المللی در معیشت مردم مشاهده نخواهد شد. در این راستا علاوه بر دستگاه های دولتی و فعالان اقتصادی، لازم است که دانشگاه ها و نخبگان نیز تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. مردم ایران عزیز ما نیز از تبدیل سرمایه های خود به ارزهای خارجی خودداری نموده و آن را صرف خرید کالاهای تولید داخلی نمایند تا علاوه بر حفظ ارزش سرمایه خود، به تولید و اشتغال و اقتصاد ملی نیز کمک کنند.

بدون شک این بار نیز با بصیرت و هوشیاری مردم و درایت مسئولین اجرایی، این چالش نیز تبدیل به فرصت شده و با اتحاد و همدلی به سمت قله های سعادت و پیروزی حرکت خواهیم کرد.

انشاء الله

ریحانه السادات هاشمی
دانشجوی دکترای مدیریت

پس از شکست پروژه دشمن در اغتشاشات اخیر و کودتای صورتی، دشمنان جمهوری اسلامی ایران و ایادی داخلی آن، به سمت ایجاد جنگ در فاز اقتصادی رفته و تخریب و ایجاد اختلال در بازار ارز و سکه را به عنوان هدف اصلی این جنگ ترکیبی قرار داده اند. افزایش نرخ دلار و نوسان قیمت ارز در اقتصاد ایران به یک چالش جدی تبدیل شده است و همین مساله سبب رشد تورم و حرکت نقدینگی به سمت بازارهای مختلف جهت مقابله با کاهش ارزش دارایی ریالی شده است. وابستگی اقتصاد ایران به دلار سالهاست که منجر به نوسانات شدید اقتصادی با تغییر نرخ آن شده و همچنین تأثیر تحریم های آمریکا بر اقتصاد کشور را بیش از پیش افزایش داده است؛ با توجه به اینکه بیشتر مبادلات ارزی کشور با یورو (ولی بر مبنای نرخ دلار آمریکا) انجام می شود، کشور در زمان ایجاد بحران های ارزی و یا نوسانات شدید ارز با مشکلات جدی مواجه می شود. به هر حال این جنگ ترکیبی، در ادامه تحریم های ظالمانه غرب علیه ملت ایران، توانسته است بخشی از برنامه های دولت برای کنترل تورم و نوسان قیمت کالاهای اساسی را دچار چالش کند. از سوی دیگر دشمن به دنبال ایجاد نارضایتی مردمی نسبت به حاکمیت است. به عبارت دیگر، دشمن در ادامه جنگ ترکیبی خود، به سمت افزایش نارضایتی در میان اقشار مختلف جامعه به خصوص طبقه متوسط رفته است و سعی در ناکارآمد نشان دادن دولت برای تحقق اهداف بعدی خود دارد. یکی از دلایل ایجاد این بحران ها، وابستگی اقتصاد کشور به دلار بوده. اصطلاحا دلاریزه شدن اقتصاد



وسط‌گود معرفی رشته مدیریت بیمه

در ادامه گریزی می‌زنیم به بررسی تفاوت مدیریت بیمه و مدیریت بیمه اکو. رشته مدیریت بیمه اکو و مدیریت بیمه از لحاظ واحدهای درسی و مباحث هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند، فقط در بیمه اکو مباحث درسی به زبان انگلیسی است و دانشجویان باید به زبان انگلیسی مسلط باشند. بیمه اکو غیرمتمرکز بوده و بعد از پذیرش دانشجو می‌پذیرد اما مدیریت بیمه متمرکز است و مصاحبه ندارد. به دلیل استفاده از منابع انگلیسی در بیمه اکو، دانشجویان این رشته از منابع بروزتری نسبت به مدیریت بیمه برخوردارند. نهایتاً، مدیریت بیمه رشته‌ای است که در میان رشته‌های مدیریتی بازار کار قابل قبول و نسبتاً خوبی دارد. هر چند به علت کم بودن ورودی هر ساله این رشته به نسبت سخت، برای ورود به دانشگاه‌های برتر باید تلاش سخت و مکفی داشت.



شاید براتون سؤال شده باشه که مدیریت بیمه چیه و چی کار می‌کنه؟ در این یادداشت قصد داریم خیلی کوتاه به معرفی این رشته پردازیم. به علت تغییرات مداومی که هر روز در روند زندگی مردم پیش می‌آید، آنها نیاز دارند در مورد خیلی از موارد اطمینان نسبی کسب کنند و بیمه، یکی از راه‌هایی است که مردم را در برخورداری از زندگی امن‌تر و راحت‌تر یاری می‌کند. به دلیل همین اهمیت، رشته بیمه در سطح آکادمیک دایر شده است تا انسان‌ها را با زوایای مختلف و شیوه‌های نوین علمی و تجربی آن آشنا کند.

این رشته از زیرشاخه رشته‌های تجربی، انسانی و ریاضی است. کارشناسان بیمه طبق قوانین و مقررات، به مشتریان خود متناسب با شرایطشان انواع بیمه‌ها مانند بیمه آتش‌سوزی، بیمه عمر، بیمه درمان و بیمه مسئولیت را ارائه می‌دهند. فارغ‌التحصیلان این رشته نیز بعد از فارغ‌التحصیلی به عنوان مدیر بیمه، کارشناس بیمه و یا مشاور بیمه در انواع شرکت‌ها مشغول به کار می‌شوند.

یک مدیر بیمه بر عملکرد همه کارمندانی که در شعبه بیمه کار می‌کنند نظارت می‌کند و تأیید می‌کند که کلیه خط‌مشی‌های شرکت از جمله ثبت سوابق مشتری دنبال می‌شوند.

در واقع فارغ‌التحصیلان مدیریت بیمه در نمایندگی فروش یا شرکت‌های کارگزاری با بیمه کردن مشتریان، سلامتی، امنیت، و آسودگی از خطر تهدید منابع مالی آنها را تأمین می‌کنند. حال کمی به بررسی مزایا و معایب رشته مدیریت بیمه می‌پردازیم. یکی از مهم‌ترین مزایای رشته مدیریت بیمه بازار کار خوب و قوی است. این رشته به طور مستقیم با صنایع و مؤسسات سروکار دارد و به همین دلیل مؤسسات مختلف نیازمند متخصصان مدیریت بیمه هستند. به همین دلیل از مزایای آن می‌توان به کار دانشجویی و اشتغال حین تحصیل نیز اشاره کرد. همچنین دانشگاه‌های پذیرنده این رشته نسبت به دیگر رشته‌های مدیریت کمتر است و بازار کار آن هنوز اشباع نشده است. علاوه بر این موارد، یکی از معایب این است که بعضی از کسانی که در حوزه صنعت بیمه کار می‌کنند، در این رشته متخصص نیستند و با مدرک تحصیلی غیرمرتبط مشغول به کار هستند.

منزل وصل

هم قدم با پوتین‌های خاکی، به مقصد آسمان...

از همان لحظه که قطار پس از ساعت‌ها حرکت، در منطقه‌ای سرسبز به نام اندیشک توقف می‌کند، با دیدن آن شهر و آب و هوا، از ابتدا درمی‌یابیم که قرار است تمام معادلات فکریمان دستخوش تغییر بشود؛ با ورود به دوکوهه و پا گذاشتن به مکانی که در آن شهیدان عالی‌قدری همچون همت، خراسانی و باکری برای رسیدن به منزل وصل تلاش‌ها کرده‌اند و گام‌ها برداشته‌اند، اولین گام‌مان را برمی‌داریم؛ شاید برای شروع یک تغییر

شاید هم برای رد شدن از خویشان...

زمانی که به بیمارستان شهید کلاتری رفتیم، با دیدن حوض خون در رخت‌شورخانه، آرزو کردیم که ای‌کاش می‌توانستیم جان‌مان را همراه با لباس‌های شهدا و مجروحان به آن مهربانان بدهیم تا ما را هم به طهارت باطنی برسانند. کی جلوتر می‌رویم...

منطقه عملیاتی فکه، رازی در دل دارد که جز به بهای خون فاش نخواهد شد، و شهید آوینی بهایش را پرداخت تا به ما گوشه‌ای از این راز را گوشزد کند. تا بفهمیم نباید تنها به یک جبهه خیره شویم و باید بدانیم منزل وصل، تنها پیروزی در جنگ نظامی نیست!

پیروزی در جنگ با تهاجم فرهنگی نیز هست

پیروزی در جنگ با اقتصاد مریض نیز هست

و پیروزی در رد شدن از خویشان نیز هست...

چند قدمی پیش می‌رویم

طلائی، منطقه‌ای غوطه‌ور در طلای ناب، محلی که خاکش طی ترکیب شدن با خون شهدا، در مکتب عشق، تبدیل به طلا شده است.

کی می‌گذرد...

سفرمان به علقمه می‌رسد و سال 1365 تاریخ تکرار می‌شود

نیمه شب، دست بسته، آب و شهادت...

اما این بار، تفاوتی وجود دارد میان کربلای امام حسین (ع) و کربلای 4 ایران زمین، این بار ارزش خون شهیدان پیش از شروع عملیات، لایه‌لای ماجرهای مک فارلین و مبادله خاموش اطلاعات، به فراموشی سپرده شده بود.

این بار، ما از خودی خورده بودیم!

بگذریم...

میان هیاهوی رمل‌ها و سکوت شبانه سنگرها، از بیسیم بیسیمچی‌ها، میان روضه‌های نیمه‌شب گردان تخریب، از خاک متبرک شله‌چه و از آب روان علقمه، تنها یک چیز را شنیدیم:

”ابد در پیش داریم“

ابدیتی برای مظلومیت پراقتدار شیعه، ابدیتی برای وطن دوستی ایرانیان واقعی، ابدیتی برای پیروزی ایران و اسلام در تمامی عرصه‌ها و در نهایت ابدیتی برای روح انسان...

